

## بررسی پیامدهای فرهنگی و تفکری تهاجم تمدنی غرب در ایران بعد از انقلاب

حمید نساج<sup>۱</sup>

مینا نظری<sup>۲</sup>

مهديه پوررنجبر<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار فیش برداری کتابخانه‌ای به بررسی پیامدهای تمدن غربی بر ایرانیان پرداخته است. ارتباط متقابل تمدن غربی با فرهنگ و تفکر (جهان بینی) غربیان منجر گردید، تا مهمترین پیامدهای تهاجم تمدنی غرب در فرهنگ و جهان بینی ایرانیان دنبال گردد. نتایج بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر از یک سو تاییدگر ارتباط میان تفکر، فرهنگ و تمدن غربی است و از سوی دیگر نشان داد که ارتباط سه گانه‌ی یاد شده لزوماً رابطه‌ای خطی نیست و در برخی از موارد ورود بی‌رویه و بدون توجه به مبانی فرهنگی و تفکری مظاهر تمدن غربی موجی از تغییرات تمدنی در وهله‌ی اول و تغییرات فرهنگی و تفکری را در مراحل بعدی شکل خواهد داد. چنانچه جامعه ایرانی با افزایش ورود مظاهر تمدن غربی درگام نخست با دگرگونی‌های در زمینه‌ی فرهنگ همچون فراموشی لباس‌ها، موسیقی و معماری و دیگر مظاهر تمدنی و فرهنگی ایرانی-اسلامی روبه‌رو شده است و درگام دیگر، تغییراتی در زمینه‌ی جهان بینی را شاهد بوده است.

**واژگان کلیدی:** تفکر، فرهنگ، تمدن، تهاجم تمدنی، ایران، انقلاب اسلامی.

### مقدمه

<sup>۱</sup> استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد علوم سیاسی (نویسنده مسول)

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد علوم سیاسی

واضح است که هر تاریخی، فرهنگ و تمدنی دارد. تمدن‌های بسیاری در گستره‌ی خاک به وجود آمده و پس از چندی از بین رفته و جای خود را به تمدن تازه‌ای داده‌اند. شکی نیست که آنها، تاثیر جزئی بر همدیگر داشته‌اند، اما آنچه که آنها را از هم منفک و حتی به مثابه‌ی شناسنامه‌ای هویتشان را معلوم ساخته، باطن آنها یعنی «فرهنگ» است؛ چنانکه تفکر باطن فرهنگ است. تفاوت تمدن یونانی و تمدن عصر اسلامی، نه تنها در صورت ابنیه و پیکره‌ی معماری و جامه‌ی مردمان و یا در مناسبات اجتماعی آنان خلاصه نشده است، بلکه در دیدگاه کلی ویژه‌ای که بنیادشان را پی‌ریزی کرده است؛ یعنی دریافت‌هایی درباره‌ی هستی، تعاریفی درباره‌ی مبدأ و غایت آن و بالاخره تعریفی که از انسان عرضه داشته است. از این روست که تفاوت و تمایز تمدن‌ها نه به «صورت بیرونی مناسبات و ابنیه، که به «ذات» آنها باز می‌گردد و بدون شناخت آن، امکان عرضه‌ی درک جامع و کلی از فرهنگ و یا تمدن یک قوم میسر نیست (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷، ۱۱).

با این وجود و علی‌رغم ارتباط ذاتی بین تفکر، فرهنگ و تمدن، در الگوهای فکری متفاوت نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که نوع رابطه‌ای که تفکر، فرهنگ و تمدن با یکدیگر دارند، لزوماً یک رابطه‌ی خطی و طولی نیست. در پاره‌ای از موارد برعکس هم هست؛ یعنی انتقال تمدن یک الگو (تمدن غربی) به تمدن الگوی دیگر (تمدن اسلامی)، تفکر نهفته در آن تمدن را هم منتقل می‌کنید. تغییر تفکر به واسطه‌ی انتقال تمدن یک الگو به تمدن الگوی دیگر از یک سو و برخورد چندین هزار ساله‌ی تمدن ایرانی با تمدن غربی از سوی دیگر این سوال را در ذهن می‌انگیزد و آن اینکه رواج و گسترش تمدن غربی به تمدن ایرانی چه تاثیری بر ایرانیان خواهد داشت؟ ارتباط تنگاتنگ تمدن با فرهنگ و تفکر منجر می‌گردد نزدیک‌ترین پیامد گسترش تمدن غربی را در گسترش فرهنگ و تفکر غرب جستجو نمود. به طوری که گسترش تمدن غرب برابر با گسترش فرهنگ و تفکر غربی، در سطح جامعه ارزیابی می‌گردد. امری که به تدریج زمینه‌ی زوال و نابودی در گام نخست فرهنگ و در گام دیگر تفکر اسلامی را فراهم می‌گرداند.

ارزیابی و بررسی فرضیه‌ی مطرح‌شده بدون آشنایی با تعریف تفکر، فرهنگ و تمدن ناقص به نظر می‌رسد از این رو در زیر ضمن نگاهی به تعاریف و رابطه‌ی واژگان فوق فرایند حضور تمدن غربی در ایران و پیامد این حضور بر فرهنگ و تفکر اقوام ایرانی بررسی خواهد گردید.

## ۲. مبانی نظری

### ۲.۱ تعاریف تفکر، فرهنگ و تمدن

سه‌گانه‌ی تفکر، فرهنگ و تمدن سه ظهور مختلف از یک حقیقت واحد است. حقیقتی که در فرهنگ، اندکی ملموس و در تمدن ملموس‌تر خود را می‌نمایاند. از تفکر، فرهنگ و تمدن، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ با این وجود با اندکی تسامح می‌توان تفکر را برابر با جهان بینی دانست که نوع نگاه فرد را نسبت به انسان، عالم و مبدا شناخت نمودار می‌

سازد. نگاهی که می‌توان از آن به عنوان خمیر مایه‌ی فکری هر فرد یاد کرد. خمیر مایه‌ی ای که در فرهنگ و تمدن به تدریج ظاهر و تمدن و فرهنگ متفاوتی را پی میریزد.

منظور از فرهنگ، باورهایی است که ناشی از تفکر هستند و سلسله‌نیازهای یک فرد را تشکیل می‌دهند. باورهایی که در یک جامعه وجود دارند. به عبارتی دیگر، فرهنگ هر جامعه و هر ملتی مجموعه باورها، بینش‌ها، ارزش‌ها، آداب و سنن و اخلاق و اندیشه‌های پذیرفته شده و حاکم بر آن جامعه است و در این میان تمدن، مجموعه‌ی سازوکارهای مادی مبتنی بر فرهنگ است که از دل فرهنگ درآمده است. غایت تمدن، رفع نیازهای بشری است و تفاوتی ندارد که این نیاز چه چیزی باشد. غالباً آنچه تمدن نامیده می‌شود، مجموعه‌ای از سخت‌افزارها هستند. پس تمدن، پاسخ‌نهایی که به نیازهای منبعث از فرهنگ داده می‌شود، نامیده می‌شود.

در یک نگاه کلی از نگاه ارزشی، به تبع جایگاه صورت مادی حیات، تمدن ذیل فرهنگ قابل بررسی است و پس از تفکر و فرهنگ قرار می‌گیرد. چنانچه جسم و کالبد آدمی متأثر از تمنیات نفسانی اوست و هر یک از کردار و اعمال جلوه‌ای از آن تمنا را باز می‌نمایند. ارتباط میان سه گانه‌ی فوق را می‌توان در تمدن‌های گوناگون دنبال نمود (جبارپور، ۱۳۹۳، ۲). که در زیر با بهره‌گیری از الگوی اسلامی و غربی به آن اشاره خواهد شد.

## ۲،۲ سه‌گانه‌ی تفکر، فرهنگ و تمدن

بشر از قدیم‌الایام تا به امروز آثار مختلفی را به وجود آورده است، گاه تمدنهای سترگی را خلق کرده که تا هزاران سال در عرصه‌ی زمین برجای مانده و گاه منشاء اثر در تمدنهای بعد از خود شده است. نگاهی به بناهای باقی مانده از تمدن‌های مختلف در عرصه‌ی هستی، در وهله‌ی اول چنین به نظر می‌نماید که هر یک از این وجوه در اقتصاد، سیاست، معماری و شهرسازی، پوشش و بلاخره در روابط انسانی مناسباتی باهم ندارند. لیکن نگاهی ژرف در این بناها این حقیقت را آشکار می‌سازد و آن اینکه همه‌ی وجوه آن اعم از سیستم آموزشی، بافت اقتصادی، نحوه‌ی اداره‌ی امور، ساختار معماری ویژه و حتی آثار ادبی و هنری آن کاملاً متناسب با یکدیگر ساخته شده است.

نگاهی به بناهای باقی مانده از عصر تمدن اسلامی اندکی موضوع را روشن تر خواهد نمود. در اقصی نقاط قلمرو نفوذ تمدن اسلامی، وجوه مشترک بسیاری دیده می‌شود. طرحهای اسلیمی، خطوط منقوش بر درو دیوار، گنبدها و طاق‌نماها در همه مساجد و... همگی حکایت از اندیشه‌ی ثابتی دارند که ساختار اصلی آن معماری را تشکیل می‌دهد. گنبدهای برکشیده همواره حافظ یاد آسمان است که معمار و سازنده‌ی بنا، همه خوبیها و زیباییها را در آن جستجو می‌کند. قرینه‌سازی خطوط و گچ‌بری‌ها، تعادل و نظم حاکم بر کل هستی را که منبعث از بینش حکیمانه خالق اوست نشان می‌دهد. این تلاش در حفظ ارزشها تا بدان جاست که کوبه‌های آویخته بر دربه هنگام کوبیده شدن، معرف جنسیت شخص مراجعه کننده است. کوبه‌های درشت و ستبر با صدای بم نمایانگر حضور مردی در پشت در است و کوبه‌های ظریف با صدای زیر نمایانگر زنی که صاحبخانه را فرا میخواند. این تناسب و هماهنگی را در همه جای این

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سرزمین وسیع می‌توان دید، گویی که معمار، حفظ مجموعه‌ی ارزشها و احکام‌های مقرر شده از سوی آسمان مهمتر از خواست اوست. از این رو آنچنان خود را ملزم به حفاظت از ارزشها می‌داند که ضمن تلفیق هنرمندانه‌ی باورها و ارزشها با شرایط ویژه‌ی جغرافیایی و آب و هوایی، امکان ایجاد و حفظ همه آنچه را می‌پسندد فراهم می‌آورد.

نگاهی به پوشش و لباس موجود در تمدن اسلامی نشان می‌دهد که فکر حاکم بر ساختار معماری بر این وجه نیز حاکم است. ممکن است کوهستانهای سخت و سرد و سواحل گرم جنوب شرایط ویژه‌ای را از نظر پوشش بر او تحمیل کند. اما در نگاه این انسان همزیستی مسالمت‌آمیز شرایط آب و هوایی و نظام ارزشی وجهی ثابت از پوشیدگی را به وجود می‌آورد چرا که او به تمنای کلام قدسی خالق حاکم بر زمین و آسمان دل می‌سپارد و رای او را مقدم بر نظر خویش می‌داند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷، ۲۲-۱۷).

با این وجود باید دانست که بین تک‌تک آثار و تمدن برجای مانده از تمدن اسلامی نسبتی جدا شدنی وجود داد. هرچه در عرصه‌ی هستی به وسیله‌ی انسان به ظهور می‌رسد محصول و مجسمه‌ی اندیشه و تفکر او در میانه‌ی دو نقطه‌ی آگاهی از مبدا و معرفت درباره‌ی هستی است. این معرفت در باره‌ی مبدا هستی و غایت است که نحوه‌ی بودن، کیفیت سیر تحول و حرکت و چگونگی زیستن را برای او معلوم می‌سازد و از آن پس، انسان هرصورت و هر درجه‌ای از معرفت و شناخت را حاصل کرده باشد، برآن می‌شود تا مسیر میان مبدا و مقصد تعریف شده را بپیماید تا به همه بودن و زیستن خود معنی دهد (فیضی، ۱۳۹۲، ۲۸). بنا به آنچه گفته شد هیچ یک از تمدنهای موجود گذشته‌های دور تا به امروز مبرا از یک دریافت کلی درباره‌ی انسان، طبیعت و خالق هستی نیستند و هرچا که به نوعی، پای انسان به میان آمده و سخن از نقش و جایگاه و نحوه‌ی عمل او در زمین بر زبان جاری شده، ردپای پاسخهایی را باید جستجو کرد که مکتبی، مسلکی و یا نحله‌ای درباره‌ی آن پرسشهای کلی اعلام داشته است.

نوع متفاوت نگاه انسان به جهان و منبع معرفت، پاسخ‌ها و مکتب‌های گوناگونی را شکل می‌دهد و منجر می‌گردد، فرهنگ و تمدنهای بسیاری در عرصه‌ی هستی شکل گیرند. به عبارتی تفکر روح خود را در فرهنگ و تمدن می‌دمد و به این ترتیب خانه‌ها حارس محارمی می‌شود که صاحب‌خانه می‌خواهد از دید نامحرمان در امان نگه دارد، جامه‌ها پوشش‌هایی هستند که اندام انسان را می‌پوشانند و صفت بارز پوشیدگی را با خود دارند. رعایت انصاف در معاملات، دوری از ریا در ارتباطات، پرهیز از تجمل و اسراف در مناسبات و بالاخره توکل به خالق هستی در همه‌ی امور همه و همه وجه فرهنگی مدنیتی را می‌سازند که چند صد سال در اوج شکوفایی بود (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷، ۴۳).

با این وجود این تنها مدنیت اسلامی نیست که بر پایه‌ی تفکر و فرهنگ اسلامی شکل گرفته است. با نگاهی به مدنیت و تمدن غربی می‌توان به راحتی ارتباط موجود را دریافت. در تفکر غربی در بحث هستی‌شناسی، تصویری از جهان هستی ارائه می‌شود که در آن خداوند نقش ربوبیت نداشته و کل امور بر عهده خود انسان گذارده شده است. تصویری که از خدا در غرب ارائه می‌شود، خالقی است که شان اربابی و پرورشگری برای مخلوق خویش ندارد و آموزه‌های وحیانی تنها در حد زندگی فردی و تجربه‌های درونی شخص اعتبار دارد (ظهیری، ۱۳۷۸، ۳۳).

در این تفکر که تنها بر دنیای مادی تمرکز دارد انسان در مرکز هستی قرار می‌گیرد لذا زمانی که از خدا و جهان بحث شود، ذیل انسان و اصالت انسان باید مطرح شود. در این تفکر انسان با امیال و خواسته‌هایش تعریف می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰، ۱۰۰). به لحاظ معرفتی، عقل‌انگاری و تجربه‌گرایی، می‌توانند معیارهایی قابل اعتماد برای تشخیص حق و باطل و درستی و نادرستی باشند و چنین نتیجه می‌گیرند که عقل، سرچشمه همه حقایق دینی و اخلاقی و حتی عامل خداپاوری است و انسان این توانایی را دارد که با توجه به عقل و حواس خود راه خود را بپیماید (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰، ۶۹). با اصالت یافتن انسان در اندیشه امانیستی غرب، حق انسان موجب شکل‌گیری حدود زندگی شده و این حدود، زندگی فرد را شکل می‌دهد (ابوترابی‌ان، ۱۳۹۳، ۱۰۰). به عبارت دیگر، انسان خود قانونگذار است و برای زندگی خویش چارچوب تعیین می‌کند؛ اینکه چگونه لباس بپوشد و بخورد، بیاشامد و... (ابوترابی‌ان، ۱۳۹۳، ۹۷).

به این ترتیب مدنیت غربی که بر پایه‌ی فرهنگ غربی استوار شده است انسان را به سوی دریافتهای کلی غرب سوق می‌دهد زیرا اجزای یک تمدن، ظرف‌های خالی و خنثی نیستند بلکه در بافتی یکدست صدای واحد سر می‌دهند. معماری عریان تمدن غربی معاصر، انسان عریان، شهر عریان و لباس عریان نسبتی نزدیک با دریافت جدید انسان از هستی دارند. زیرا در این دریافت (دریافت جدید غربی) انسان، خود محور همه‌ی زیبایی‌ها و معیار تشخیص همه‌ی خوبیها و بدیهاست.

امروزه بیش از یکصد سال است که از عمر تناقض و بحران فرهنگی و مدنی در میان کشورهای اسلامی می‌گذرد. در این سالها بخت با فرهنگ و مدنیت غرب یار بوده و حضور فرهنگ اسلامی در این میدان کم و کمتر گشته تا جایی که باقی مانده‌های فرهنگ و تمدن اسلامی در قالب معماری، پوشش، موسیقی و... به میان موزه‌ها، فرهنگ‌سراها و قهوه‌خانه‌ها کشیده شده است. با این وجود این تنها مدنیت اسلامی نیست که به فراموشی سپرده شده است، بسیاری از فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای نیز در این تضاد و بحران فرهنگی رو به خاموشی دارند. تاکید پژوهش حاضر بر جامعه ایرانی به عنوان مطالعه‌ی موردی از یک سو و تاکید بر ارتباط بین تفکر، فرهنگ و تمدن و پذیرش این امر که ورود تمدن غربی به تغییر تمدن، فرهنگ و تفکر می‌شود منجر می‌گردد که تاثیر حضور تمدن غربی بر فرهنگ و تفکر ایرانیان بررسی و ارزیابی گردد.

بررسی تاثیر تمدن غربی بر فرهنگ و تفکر ایرانیان بدون شناخت اجمالی از روند حضور این تمدن ناقص است از این رو در زیر ضمن نگاهی به روند این حضور پیامدهای فرهنگی و فکری ورود تمدن غربی بر ایران ارزیابی خواهد شد.

### ۳. روند حضور تمدن غربی به ایران

آشنایی ایرانیان با مدنیت غربی، در پی برقراری ارتباط میان ایران و اروپا، آغاز شد و این ارتباط با استقرار سلسله صفویه در ایران امکان پذیر گردید. متأسفانه علی‌رغم آشنایی اولیه ایران با غرب متمدن، جامعه ایران از ابتدا تاکنون به دنبال انتخاب و به کارگیری و گسترش ابزارآلات و مصنوعات مدرنیته در ایران بوده و کمتر به بعد فلسفی و فرهنگی آن توجه کرده است و این توجه به علم جدید و دستاورد های آن نیز عاری از هرگونه تفکر عمیق در باب ماهیت و تاثیرات شگرف آن بر زندگی ایرانیان بوده است.

غرب‌گرایی در ایران را می‌توان از دوره قاجاری پی گرفت، امری که در دوره ی پهلوی اول ادامه و در پهلوی دوم به اوج خود رسید و امروز نیز ادامه پیدا کرده است. گسترش روز افزون تمدن غرب، مواجهه‌ی تمدن‌ها و جوامع دیگر را با این تمدن نو ظهور اجتناب ناپذیر می‌کرد. جامعه‌ی ایرانی نیز از این امر مستثنی نبود. مرحله‌ی نخست شناسایی ایرانیان و برخورد ایشان با تمدن غرب با چشیدن طعم تلخ وجه قهری تمدن غرب و جایی که تکنیک ظهور یافته در این تمدن در قالب فنون نوین نظامی، ابزار و ادوات نوین جنگی تجلی پیدا کرده بود، همراه شد. در نتیجه ایران نیز مانند بسیاری از جوامع شرقی ناگزیر از استفاده از محصولات صنایع غربی در حوزه‌های نظامی و مدنی گردید (فوران، ۱۳۷۱، ۱۸۱-۱۷۹).

اگر چه استفاده از محصولات یاد شده، خود سر آغاز ظهور مشکلات متعددی برای جامعه‌ی ما بود، اما مسأله به این جا ختم نشد چرا که مشاهده‌ی پیشرفت‌های علمی، صنعتی و ... تمدن غرب حیرت زدگی ایرانیان را نسبت به این قدرت نو ظهور دو چندان کرد. تا بدین جا ایرانیان به واسطه‌ی حضور برخی مظاهر و محصولات تمدنی غرب در جامعه‌ی خود با این تمدن آشنا شده بودند. با فراهم شدن امکان سفر ایرانیان به اروپا از راه سفارت، سیاحت، تجارت و ... فصل جدیدی از آشنایی ایرانیان با تمدن غرب گشوده شد، فصلی که شاید اوج آن را بتوان در روی کار آمدن رضا شاه دنبال نمود.

رضا شاه که با کمک انگلیس توانسته بود نظام حاکم را در دست گیرد، در سفر خود به ترکیه تحت تأثیر مظاهر و فرهنگ غربی قرار گرفت و به این نتیجه رسید که تنها راه پیشرفت ایران ملبس شدن و متظاهر شدن به تمامی ظواهر فرنگی است. این چنین شد که در سال ۱۳۰۷ فرمان متحدالشکل شدن لباس ها صادر و در ۱۷ دی ۱۳۱۴ کشف حجاب تصویب شد. به این ترتیب رضا شاه اولین گام را در جهت مبارزه با سنت ایرانی و اسلامی برداشت و اولین نشانه های هجمه همه جانبه مدرنیته و فرهنگ غربی در ایران نمایان شد (فوران، ۱۳۸۹، ۱۷۰).

تقلید و اقتباس از پوسته بیرونی و ظاهری تمدن غرب بدون توجه به تحولات تاریخی و زیرساخت‌های جامعه غربی، ویژگی مهم این دوره است. بسیاری از کسانی که در پشت صحنه کارگردانی را برعهده داشتند (شاه و دیگران) با برداشتی سطحی از مدرنیسم و تلاش برای اجرای آن در ایران، فکر می‌کردند بر معضل بزرگ عقب‌ماندگی کشور غلبه خواهند نمود. لذا مسائلی چون تغییر نوع پوشاک مردان و زنان، رواج مدهای غربی و وسایل زندگی نو، ایجاد کلوپ‌ها و

## چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

باشگاه‌ها، برگزاری میهمانی‌های مختلف همراه با رقص و موسیقی و بسیاری از مسائل دیگر به تقلید از غرب انجام می‌شد (بصیرت منش، ۱۳۷۶، ۵۱-۴۶).

فهم نادرست ماهیت و علل و عوامل مدرنیسم اروپایی تا بدانجا تنزل کرده بود که معیار پیشرفت را در کلاه کلنی (شاپو)، کشف حجاب و حتی توالف فرنگی و وان حمام می‌دیدند و مدرنیسم، تجددگرایی و غرب‌گرایی حالتی ظاهری پیدا نمود (بشیریه، ۱۳۸۱، ۶۸). اوج این برخورد را می‌توان در برخورد با اقوام ایرانی دنبال نمود. رضاخان درست بعد از کودتا با قبضه کردن قدرت نظامی و تشکیل ستاد مرکزی ارتش و اقدام به تجهیز و نوسازی ارتش کرد. طرح تشکیل سپاه متحد الشکل و گذراندن قانون نظام اجباری راه را برای جذب نیروهای نظامی مناطق مختلف در سراسر ایران فراهم آورده بود. دولت مصمم بود که بر اساس تمایلات آمرانه خود به سرکوب قدرت امراء و خوانین متعدد بپردازد. لذا از سال ۱۳۰۲ تا سال ۱۳۰۴ بسیاری از عشایر خلع سلاح شدند. این عمل همراه با کشتار و خونریزی بسیار بود. شدید ترین زد و خورد در امر خلع سلاح بین عشایر و نیروهای دولتی صورت گرفت.

از دیگر سیاست‌های آمرانه رضا شاه، ایجاد ثبات و امنیت در بین اقوام ایرانی بود. دو نوع شرایط جغرافیایی و اقلیمی متفاوت یکی در مناطق و دشت‌های کوچک و دره‌های حاصلخیز کوهستان‌های زاگرس که دارای آب و هوای مناسب و زمین‌های حاصلخیز و متناسب برای فعالیت‌های کشاورزی بودند و دیگری بلندیهای سرد و کوهستانی و قله‌های کوهستان‌های سرسبز که دارای مراتع وسیع با شرایط اقلیمی متضاد آب و هوایی که باعث می‌شده هر کدام از آنها در فصلی یا بخشی از ماههای سال مساعد برای سکونت و فعالیت‌های معیشتی و تولیدی انسان کوچرو و حشم دار باشد و بدین صورت طبیعت متضاد کوه و دشت و وجوه آب و هوای دوگانه انسانهای کوه نشین و کوچ نشین منطقه زاگرس را همواره به دو نوع فعالیت متضاد وامی داشت و به دنبال خود به حرکت در می‌آورد. این نوع زندگی نیز همزمان با نوسازی مطرح در عصر رضا شاه با تخت قاپوکردن عشایر ایرانی و یکجا نشین کردن آنها به سراسیمبی انحطاط دچار گردید. با این وجود این تنها شیوه‌ی معیشت عشایر نبود که در این نوسازی برگرفته از غرب در محور تغییر و تحولات ظاهرین قرا می‌گرفت. فرهنگ و سنت‌های محلی در بین عشایر نیز از این تغییر و تحولات بی‌بهره نماندند و به دستور رضا شاه با فرهنگ و سنت‌های ناهمگون با شرایط اقوام ایرانی جایگزین شدند.

از جمله اقدامات فرهنگی که در بین اقوام صورت گرفت، اقدام به تغییر لباس در میان عشایر، تأسیس مدارس نوین و بردن مظاهر جدید تمدنی مانند روزنامه، سینما و تئاتر به میان عشایر و وادار ساختن فرزندان عشایر و بزرگان، در بکار گیری مظاهر جدید تمدن غرب بود که همه حکایت از یک تغییر اساسی در ساختار زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عشایر داشت. نابودی مختصر حیات اقتصادی عشایر به بهای استقرار شیوه‌های نوین و عرصه‌های جدیدی مانند کشاورزی و یکجانشینی و شهرنشینی که اساساً عشایر هیچ‌گونه آشنایی اصولی با این گونه شیوه‌ها نداشتند و نیز علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهند، باعث بیکاری، رشد شهرنشینی و روستانشینی کاذب و واماندگی عشایر

## چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی: پیشرفت، گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

از عرصه فعالیت‌های عشایری شد. اصلاحات رضاخان ساختار نیم بند اقتصاد سنتی را بر هم زد و بافت های اقتصادی کهنه ایلی و عشیره ای از هم گسیخت و تبدیل به یک اقتصاد وابسته کرد (بهرامی، ۱۳۷۷، ۱۱۰).

با فروپاشی استبداد رضاخانی که نماینده «ناسیونالیسم تجددگرا» بود، در دهه نخست عصر پهلوی دوم جامعه ایرانی شاهد شکل گیری «ناسیونالیسم ضداستعماری» بود که مهمترین محصول آن، «نهضت ملی کردن صنعت نفت» است. در دولت دکتر مصدق، رابطه قدیمی سلطنت محوری، تضعیف شد و بخش مهمی از قدرت به دولت واگذار گردید. تا اینکه با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، تغییرات ژرفی در ساختار سیاسی ایران پدید آمد. از آن پس، شاه به یگانه سیاستگذار و داور سیاسی کشور تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۸۷، ۳۴۴-۳۳۳).

شرایط سیاسی ایران، بعد از کودتای ۲۸ مرداد به گونه ای بود که با نابود ساختن هویت ملی ایرانیان، شاه با تکیه بر ابزار سرکوب مخالفان — متشکل از واحدهای پلیس، ارتش و ساواک — توانست یک دولت اقتدارگرای سلسله مراتبی تاسیس کند. وی از ابتدای دهه ۱۳۴۰ با حمایت غرب، فصل تازه ای را در ساختار اجتماعی ایران گشود و ایران را به دور تازه ای از عصر نوسازی وارد کرد و آن را «عصر تمدن بزرگ» نامید. بدین ترتیب دوره دوم تجددگرایی، آمرانه آغاز گشت و مظاهر و تجلیات تمدن غرب با شتاب فراوانی وارد جامعه ایران شدند، بدون آنکه در این اقتباس، منطق و عقلانیتی به کار رفته باشد.

در دوره محمد رضا نیز هیچ اقدام اصولی برای پرکردن این شکاف عمیق اقتصادی و فرهنگی در میان اقوام صورت نگرفت و صرفاً به رشد فرهنگ کاذب شهری، رشد مهاجرت عشایر و روستانشینان به شهر و اقتصاد وابسته منطقه ای منجر شد و توجهی نیز به رشد شاخصه های اقتصاد نوین و تکامل صنایع تولیدی نشد و مردم و عشایر از دو سو ضربه سختی را متحمل شدند که در نهایت تا به امروز ادامه یافته است (بهرامی، ۱۳۷۷، ۱۴۵). اعمال این سیاست به جهت عدم سنخیت با فرهنگ بومی موجبات انحطاط اخلاقی، سیاست پوچ گرایی، گسترش فرهنگ مصرف و وابستگی بیشتر و همه جانبه به کشورهای بیگانه را فراهم ساخت و زمینه های یک چالش جدی با حکومت وابسته خود را در داخل به وجود آورد و زمینه های سقوط دولت استبدادی پهلوی را فراهم سازد.

با سقوط دولت استبدادی محمد رضا شاه و وقوع انقلاب اسلامی به رهبری آیت الله خمینی (ره)، نظام ارزشی جدیدی پایه ریزی شد که عناصر مهم آن از میان بردن بی عدالتی، نابرابری، استبداد، وابستگی به غرب و تمایل بیشتر به مذهب و ایثار بود.

تغییر ارزشی مطرح در بعد از انقلاب نسبتاً سریع و اما تدریجی صورت گرفت و قیافه های ظاهری بدون دستور زور از بالا به صورت درونی به تدریج تغییر یافت و کم کم مسابقات ارزشی شروع گردید. با این وجود این تغییرات ارزشی عمیق تر از تغییرات ظاهری بود و به نظام اقتصادی نیز وارد گردید. با تغییر ارزشها در جامعه ایران اوضاع کشور نیز تا حدود زیادی دچار تغییر شد. با روی گردانی اکثریت مردم از مصرف گرایی تقاضا برای کالاهای لوکس کمتر شد و با عدم تقاضا این کالاها که قسمت اعظم آن از غرب وارد می شد و در واقع به معنای از بین رفتن بازار کشورهای غربی در



## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

ایران و این امر درکنار از دست دادن پایگاه اجتماعی آنها به عنوان گروه مرجع ایرانیان بسیار ناگوار بود. در این میان نکته‌ی قابل توجه این بود که در نظام ارزشی جدید، ارزش گزاران و هنجارسازان همگی متفق القول برای تغییر ارزشها گام برداشتند. پیرو این حوادث در غرب و شرق خطر شکل‌گیری قدرت جهانی جدید احساس شد که می‌توانست دیگر کشورهای مسلمان سرایت و منافع آنها را به خطر اندازد.

حمله‌ی برق‌آسای عراق به ایران و آغاز ۸ سال جنگ تحمیلی، واکنشی بود که از سوی سردمداران شرقی و غربی برای مقابله با رژیم فعلی اتخاذ گردید. با این وجود این حمله از سوی مردم ناجوانمردانه و توهین به غرور ملی تلقی شد و چنان احساسات ملی را برانگیخت که مقابله با آن و دفاع از وطن به عنوان یک ارزش اجتماعی تبدیل گردید. این شرایط تمام تئوری‌های نظامی را بهم ریخت و همه سلاح‌های دشمنان را که از سوی همه جهان که با ایران به جنگ پرداخته بودند را بی‌تاثیر ساخت. به این ترتیب منافع کشورهای غربی، بالاخص موجودیت اسرائیل و همچنین روسیه بیش از پیش به مخاطره افتاد. لذا به این نتیجه رسیدند که باید هرچه زودتر این آتش خود افروخته را خاموش کنند. موفقیت انقلاب، کوشش‌های مخالفین نظام ارزشی انقلاب در جهت مقابله با آن از طریق حصر اقتصادی نیز، در واقع به تقویت نظام ارزشی انقلاب منجر گردید و لذا روش برخورد با انقلاب تغییر کرد، و به قول آقای انگل هارت، روش انقلاب آرام و بی‌سروصدا در پیش گرفته شد.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت سازندگی، تغییرات اساسی در زمینه‌های گوناگون جامعه شکل گرفت. با تغییر سیاست بعد از ۱۳۶۸ که روند توسعه اقتصادی در پیش گرفته شد، سرمایه از اهمیت زیادی برخوردار شد و ملاک و میزان ارزیابیها، معیارهای اقتصادی و مادی گشت. در این شرایط صاحبان سرمایه، که تا آن موقع تا حدود زیادی مورد بی‌اعتنایی بودند با ارزش شدند و فرصت خودنمایی یافتند. درکنار نمایش وسایل از جانب ثروتمندان دولت خود نیز یک جریان و مکانیسم تشدید کننده دیگر را وارد نمود و آن حرکت اهرم‌های نیاز آفرینی بود. برای مردمی که احساس فقر می‌کردند از هر سو کالاهای جدید و مدرن به نمایش گذاشته و در آنها نیاز به داشتن این کالاها برانگیخته شد. نگاهی به حجم واردات در بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی خود گواهی بر مطلب فوق خواهد بود (رفیع پور، ۱۳۸۴، ۱۴۶-۱۲۷).

به این ترتیب از یک طرف نمایش ثروت اقشار بالا و از طرف دیگر اقدامات در جهت نیاز آفرینی موجب می‌شود که در جامعه گرایش مردم به کالاهای لوکس و مصرفی برآمده از فرهنگ غرب بیشتر و بیشتر گردد. با این وجود این فرایند به همین جا ختم نمی‌شود و پیامدهای فراتری دارد که می‌توان یکی از آنها را در نابودی بیشتر فرهنگ و تغییر ارزشهای ایرانیان جستجو نمود.

## پیامدهای فرهنگی تهاجم تمدنی غرب بر ایران

خنثی ندانستن تمدن غربی از یک سو و متجلی دانستن تمدن و فرهنگ غربی از تفکر غربی منجر می‌گردد که پیامدهای حضور تمدن غربی در جامعه ایران را در فرهنگ و تفکر جستجو نمود. تاثیر رواج تمدن غربی را می‌توان در ابعاد مختلف فرهنگی و فکری دنبال نمود. جایگزین شدن لباسهای غربی به جای لباسهای بومی و سنتی، فراموشی بازیهای محلی و جایگزینی آن با بازیهای کامپیوتری، رواج صنایع غیر بومی به جای صنایع دستی، جایگزین شدن زبان و گویش محلی و زبان فارسی با واژگان و اصطلاحات غربی در کاربردهای عامیانه، رواج موسیقی غربی به جای موسیقی های محلی، فراموشی معماری اسلامی و گسترش معماری غربی و.. مهمترین پیامدهای فرهنگی رواج تمدن غربی است که در زیر به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

در سال‌های گذشته بسیاری از گویش‌ها و آداب و رسوم جوامع بشری دچار تغییر و تحول شده و برخی از آنها حتی تا حد فراموشی پیش رفته‌اند. یکی از این فاکتورها که نقش به‌سزایی در شناساندن فرهنگ یک جامعه ایفا می‌کند، مقوله لباس یا همان لباس محلی است. شیوه لباس پوشیدن اقوام ایرانی، بخشی از فرهنگ این منطقه را تشکیل می‌داد اما متأسفانه با تغییر مد لباس پوشیدن این شیوه قدیمی بسیار تغییر کرده است. امروزه استفاده از لباس‌های محلی و سنتی در بسیاری از نقاط ایران به فراموشی سپرده شده و مردم عمدتاً از لباس‌های رایج شهرهای بزرگ استفاده می‌کنند.

با این وجود این تنها الگوهای غربی پوشش نیست که در جامعه گسترش پیدا کرده‌اند، بلکه رواج لباس‌های خارجی به تدریج ارزشهای همچون عفت و حجاب در میان زنان و مردان ایرانی رخت خواهد بست. چنانچه امروز در شهرها ورود لباس‌هایی جدید برای پسران و دختران مشاهده می‌شود که مشخصه اصلی آنها پارگی‌ها و رفو شدن است که مخالف از یک سو مخالف با عفت و حجاب و از سوی دیگر مخالف با فرهنگ قومی است. در این میان نکته‌ای که باید دانست این است که منبع و منشا این شلوارهای جین رفو شده برآمده از یک فلسفه و رویکرد به نام هیپی‌گری است. این طیف در غرب به دلیل بریدن از مادیات و زدگی از آرامش غیر واقعی دنیا رو به سوی این پوشش‌ها آورده‌اند. بی‌توجه بودن به مبانی فکری و فرهنگی لباسهای غربی و رواج آن در جامعه خود خطری است که می‌تواند منجر به تشدید بی‌عفتی در جامعه و کم‌رنگ شدن ارزش حجاب گردد (باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۱، کدخبر ۴۰۳۵۰۷۵).

وضعیت یاد شده را میتوان در دیگر مظاهر فرهنگی ایرانی نیز دنبال نمود. گسترش بی‌رویه و غیر منطقی سبک‌های مختلف موسیقیایی غربی در میان جوانان و در تمام مراسمات موجود به رغم قابلیت‌های موجود در موسیقی محلی، متأسفانه در سالهای اخیر منجر گردیده، تا این موسیقی در دیار خود مهجور واقع شده و به نوعی در برخی شهرستانها و مراسم‌ها به حاشیه رانده شود. موسیقی‌های غربی همچون راک، جاز و رپ با انتخاب اشعاری به واسطه‌ی ناسازگاری با فطرت انسانی - که طالب آرامش، تفکر و عطوفت است - تمایلات نفسانی اماره‌را به طور ناخودآگاه تحریک کرده و انسان را از آرامش الهی که لازمه‌ی رسیدن به کمال است، بازمی‌دارد. این موسیقی با پایین آوردن تمرکز و تعادل روحی به

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خصوص در قشر جوان نیاز به ریسک کردن، انجام فعالیت‌های ساختار شکنانه‌ی اجتماعی، زیاده طلبی و خشونت را در او بیش تر می‌کند. بی‌قیدی، بی‌توجهی به آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی، گریز از کار و زحمت، افت درسی و نتایج زیان بار اجتماعی آن، تسلیم شدن در برابر هیجان‌های زودگذر، خشونت زبانی که بروز آن در فحش دادن و زدن حرف‌های رکیک است، شهوت گرایی و ... نتیجه‌ی تحریک این نیازها و تمایلات است (سایت خبری مشرق نیوز، ۱۳۹۲ کدخبر ۲۲۱۵۴۳).

علی‌رغم متناسب نبودن نگرش‌های حاضر در موسیقی غربی با فرهنگ ایرانی و اسلامی، امروزه متاسفانه موسیقی ایرانی در شکل کنونی اش، به هیئت مدرنی دست یافته است که دیگر تفاوت چندانی با موسیقی غربی ندارد. زیرا موسیقی دانان شرق و طبعاً ایران، پیرو تأثیرپذیری جهان شمولی که دامن سیاره‌ی زمین را در همه‌ی شئون زندگی گرفته است، به استقبال فرهنگ غربی شتافته و به نحوی چشم بسته آن را سرمشق قرار داده‌اند و در گام دیگر تلاش کردند با حذف و فراموشی بسیاری از موسیقی‌های محلی در این یکسان‌سازی بی‌بهره‌نمانند (شبکه‌ی اینترنتی آفتاب، ۱۳۸۴، کدخبر ۱۱۶۵۴).

متاثر شدن فرهنگ ایرانی و اسلامی را می‌توان در دیگر ابعاد زیست مردمان من جمله معماری نیز مشاهده نمود. معماری تاریخی هر یک از شهرهای کشور، متناسب با شرایط اقلیمی، زیبایی و فرهنگی همان شهر است و همین امر، عامل تعدد آثار تاریخی کشور است. این در صورتی است که آنچه در روبه‌شهرسازی شهرهای کشور بارز است، از رشد آپارتمان‌ها و برج‌هایی حکایت دارد که شکل و شمایل آن در تبریز، شیراز، اصفهان، یزد، کرمان و سایر شهرهای تاریخی کشور، یکسان بوده و متکی بر کپی‌برداری از یک سری کلیشه‌های معماری غربی است. کلیشه‌های معماری غربی، پاسخگوی هویت فرهنگی، ویژگی‌های اقلیمی و ذوق و سلیقه تاریخی شهرسازی کشور نیست (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳، کدخبر ۱۴۳۵۰۱۴۳۰۷۲۳۰۱۳۹۳).

این درحالی است که در معماری اسلامی \_ ایرانی تلاش بسیاری برای همزیستی با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی صورت گرفته است. وجود «هشتی» در خانه‌های قدیمی ایرانی که به نحوی مرز میان خلوت و جلوت یا حریم و فضای خارج از خانه را شکل می‌داد، خود گواهی بر مطلب فوق است. هشتی‌های موجود در معماری اسلامی به عنوان یکی از اصول خانه‌سازی، با فضا و راهروهای پیچ در پیچ نه تنها مانع نگاه اغیار به داخل منزل می‌شد، بلکه با ایجاد مکثی روانی، هر که از خانه بیرون می‌رفت را آماده ورود به عرصه جامعه و آنکه وارد خانه می‌شد را آماده ورود به عرصه خانه می‌کرد تا گواه و شاهدی باشد بر دو فضای متفاوت بیرون و اندرون و اینکه این دو فضای متفاوت رفتار و منشی متفاوت را طلب می‌کند (خبرگزاری پارسینه، ۱۳۹۰، کدخبر ۴۲۷۵۲).

کمرنگ شدن معماری اسلامی و رواج الگوها و سبک‌های معماری غربی در محیط خانه همچون ساختن آشپزخانه‌های باز نیز که منجر به از بین رفتن حریم زنان و خانه شده است خطری است که در دوران جدید اغلب جامعه‌ی ایرانی را تهدید می‌کند. با این وجود این تنها معماری، موسیقی و پوشش ایرانی نیست که با این تهاجم تمدنی رو به روشده

است. فرضیه‌ی یاد شده را می‌توان در دیگر ابعاد فرهنگ و تمدن ایرانی دنبال نمود که به دلیل طولانی شدن بحث از توضیح آن خوداری شده است.

تاثیر رواج تمدن غربی تنها بر فرهنگ ایرانی و کمرنگ شدن ارزشها و سنت‌های اسلامی و ایرانی باقی نمانده بلکه در گامی فراتر جهان بینی ایرانیان را نیز محور حمله‌ی خود قرار داده است که در مباحث آتی به آن پرداخته خواهد شد.

### پیامدهای رواج تمدن غربی بر جهان بینی ایرانیان

در مباحث گذشته نشان داده شد که بین تفکر، فرهنگ و تمدن ارتباطی متقابل وجود دارد چنانچه بسیاری از آثار برجای مانده و نگرشهای و باورهای موجود در الگوی اسلامی و الگوی غربی، متأثر از جهان بینی اسلامی و غربی است. با این وجود آنچه در این پژوهش محور توجه قرار گرفت، ارتباط متقابل میان سه گانه‌ی فوق و خطی نبودن ارتباط آنهاست. چنانچه گسترش تمدن در تمدن دیگر به تدریج به الگوهای فرهنگی و فکری مختص به خود را گسترش خواهد داد. رواج و گسترش بسیاری از ملزومات تمدنی غرب بدون توجه به فرهنگ و تفکر این ملزومات در جامعه‌ی ایرانی به تدریج تغییرات فرهنگی را در سطح جامعه پدیدار نمود. تاکید پژوهش بر تفکر (جهانبینی) به عنوان سومین سه گانه‌ی فوق و متأثر دانستن این مولفه از تمدن غربی منجر می‌گردد که در ادامه تغییرات پیش آمده در جهان بینی ایرانیان بررسی گردد که خود متأثر از الگوی اسلامی است

در مورد رابطه‌ی استفاده از مظاهر تمدنی غرب و تغییر جهان بینی ایرانیان به طور اعم پژوهشی صورت نگرفته است. مسلمان بودن جامعه ایرانی و متأثر بودن جهان بینی ایرانیان از اسلام، منجر می‌گردد که با نگاهی به یافته‌های برخی از پژوهش‌های موجود پیرامون دینداری و رابطه‌ی آن با برخی مظاهر تمدنی غربی همچون استفاده از ماهواره، اینترنت و فضای مجازی فرضیه‌ی فوق بررسی گردد. اکثر پژوهش‌های موجود پیرامون دینداری تلاش کردند که وضعیت دینداری را بر مبنای الگوی کلارک و استارک بررسی کنند ابعاد دین داری بر اساس مدل کلارک و استارک بر ۵ بعد اعتقادی، مناسکی و رفتارهای دینی، تجربی، آگاهی و پیامدی استوار است (کاظمی، ۱۳۸۸، ۹۸). نگاهی به برخی محصولات غربی همچون ویدئو، تلویزیون و سینما در زمان گذشته، اینترنت و ماهواره در عصر حاضر که هدف آنها برقراری ارتباط مستقیم با مصرف کننده است، واقعیت‌های تلخی را در محورهای یادشده نمایش می‌دهد.

فرامرزی رفیع پور در کتاب توسعه و تضاد در بخشی از کتاب خویش پیرامون تغییر ارزشها در سطح جامعه به رابطه‌ی بین استفاده از ویدئو و انجام اعمال و مناسک مذهبی همچون اقامه‌ی نماز و روزه اشاره دارد. وی به منظور تاثیر ویدئو بر مناسک مذهبی مردم از نتایج دو تحقیق کوتاه اما پر ثمر در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۲ بهره می‌گیرد در این تحقیقات از دانشجویان خواسته شد تا فرایند داشتن ویدئو و انجام مناسک مذهبی همچون نماز و روزه را مقایسه نمایند. نتایج نشان می‌دهد که از سال ۷۲ به ۷۳ تعداد ویدئو ها افزایش یافته بود و در این میان نسبت نماز خواندن

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

در سال ۷۲، ۵۹/۸ درصد و نسبت روزه گیران ۵۶/۲ درصد بود در صورتیکه برای سال ۱۳۷۳ این ارقام کاهش می‌یابد یعنی ۴۱/۱ درصد نماز می‌خوانند و ۵۴/۶ درصد روزه می‌گیرند (رفیع پور، ۱۳۸۴، ۲۶۲). به این ترتیب ملاحظه می‌شود که ورود ویدئو به خانواده‌ها تدریج مناسک مذهبی آنها را دگرگون کرده است و اکثر کسانی که دارای ویدئو بوده‌اند به تدریج از میزان انجام اعمال مذهبی‌شان کاسته شده است. دگرگونی در دیگر ابعاد دینداری سطح جامعه را می‌توان در میزان بکارگیری از دیگر محصولات غربی همچون اینترنت و ماهواره نیز دنبال نمود.

نعمت الله کرم‌الهی در مقاله‌ی خود با محوریت « بررسی رابطه‌ی استفاده از اینترنت با دینداری کاربران » به ارزیابی استفاده از اینترنت بر دینداری کاربران می‌پردازد. تحلیل یافته‌های این مطالعه که هویت دینی کاربران در حیطة: احساس، باور و اعتقاد به ارزش‌ها و اعتقادات دینی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد، نشان از آن دارد که نوع استفاده از این شبکه‌ها، از نظر استفاده کاربردی و یا تفریحی، مدت زمان طولانی حضور در این شبکه‌ها و همچنین هدف استفاده کاربران از این شبکه‌ها به علاوه طبقه و پایگاه اجتماعی آنان، در تضعیف هویت دینی کاربران و تمایل آنان در حرکت از هویت سنتی و اصیل دینی به سوی هویت بازتابی و مدرن تأثیرگذار بوده و حداقل این‌که هویت اصیل کاربران را در برخی از حیطة‌ها دچار تشکیک می‌کند.

هویت دینی کاربران شبکه‌های اجتماعی، در سه سطح سنجیده شده است که در جدول زیر می‌توان میانگین هر یک از این سطوح را که کاربران به آن پاسخ داده‌اند، مشاهده کرد (کرم‌الهی، ۱۳۸۹: ۲۱).

## جدول ۱: مصادیق حیطة باور و اعتماد

انجام اعمال و فرایض دینی تحت هر شرایطی	۴۷/۷ درصد
وجود خدا و نقش مؤثر آن در زندگی قابل انکار نیست	۷۷/۸ درصد
انجام اعمال دینی در جمع باعث شرمساری نمی‌شود	۵۷/۴ درصد
دین اسلام می‌تواند جوابگوی تمام مسائل باشد	۴۵/۹ درصد
زندگی پس از مرگ وجود دارد	۷۱/۷ درصد
جزا و پاداش در آخرت وجود دارد	۶۷/۸ درصد

بر اساس جدول فوق، می‌توان دریافت که «وجود خدا و نقش مؤثر آن در زندگی» آنان در این حیطة بیشترین، و اعتقاد به این‌که «دین اسلام می‌تواند جوابگوی تمام مسائل باشد» کمترین اهمیت را دارد.

## جدول ۲: حیطة احساس

از خواندن دعا احساس لذت می‌کنند	۶۴/۵ درصد
احساس می‌کنند به خدا نزدیک هستند	۶۸/۷ درصد
از این‌که مسلمان هستند، خوشحال هستند	۶۱/۶ درصد
از این‌که در کشوری اسلامی زندگی می‌کنند، خرسندند	۴۴/۳ درصد
از انجام اعمال دینی احساس خستگی نمی‌کنند	۵۱/۸ درصد

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در حیطه احساس، جدول بالا به روشنی بیانگر این مهم است که اغلب کاربران هر چند که از نظر حسی با دین و مسائل دینی مشکل خاصی ندارند، ولی از این که در کشوری اسلامی زندگی می کنند، خرسند نیستند و احساس خوبی نسبت به این مسأله ندارند.

جدول شماره ۳ نشان می دهد که در حوزه عمل به آموزه ها، فرایض و ارزش های دینی به شدت دچار ضعف هستیم؛ یعنی هنگامی که باورها و اعتقادات باید در عمل بروز و ظهور داشته باشند، دچار مشکل و چالش هستیم.

جدول ۳: حیطه عمل

نماز می خوانند	۴۲/۶ درصد
روزه می گیرند	۵۹/۱ درصد
در مراسم مذهبی شرکت می کنند	۴۶/۹ درصد
کتاب دینی مطالعه می کنند	۳۳/۷ درصد
به شهرهای زیارتی سفر می کنند	۳۹/۸ درصد
انسان خطاکار به هر شکلی باید معذرت بخرد	۴۵/۵ درصد
ترک امر به معروف و نهی از منکر، موجب فساد می شود	۳۹/۹ درصد
تحت هر شرایطی، در دادوستد باید درستکار بود	۷۲/۵ درصد

به این ترتیب مشاهده شد که استفاده از اینترنت و رادیو به عنوان نمونه ی کوچکی از تمدن غربی موجی ازدگرگونی فرهنگی و فکری را در جامعه ایرانی شکل بخشیده است، به طوری که از ۱۰۰ درصد جامعه نمونه ی مورد آزمون ۷۷ درصد به وجود خدا، ۷۱ درصد به زندگی پس از مرگ، ۶۷ درصد به جزا و پاداش در روز جزا اعتقاد دارند.

به این ترتیب باید توجه داشته باشیم که ابزارهای نوین تکنولوژی شمشیرهای دولبه ای هستند که اگر متناسب با ساختار بومی و ارزشها و ویژگیهای اخلاقی مورد قبول جامعه به کار گرفته نشوند، به مرور تبدیل به ابزاری مهلک در جهت تخریب به کار گرفته خواهند شد. چرا که صدور تمدن غربی به کشورهای در حال توسعه جدای از عوارض جانبی آن نیست. تمدن با خود فرهنگ و اخلاق مرتبط را نیز به همراه می آورد. ناهمگونی فرهنگی جدید با بافت سنتی اخلاق و فرهنگ، تعارضاتی را موجب می شود و در این رهگذر اغلب سنتها و ارزشهای کهن به بهانه ارتجاعی بودن و عدم قابلیت در اجرا به مرور حذف می گردند و معیارهای فرهنگ جدید و ظاهراً مترقی جایگزین می شود. خطر گسترش تمدن غربی در جامعه ایرانی منجر می گردد تا ارائه راهکارهایی در جهت مقابله با وضعیت موجود ضروری ارزیابی گردد. از این رو در زیر ضمن جمع بندی مطالب مطرح شده راهکارهایی چند برای بهبود وضعیت جامعه ایرانی ارائه خواهد شد.

## جمع بندی و ارائه راهکار

هجوم گسترده ی کالاها و مصنوعات غربی در جامعه ایرانی این سوال را در ذهن شکل بخشید و آن اینکه تهاجم تمدن غربی بر جامعه ایرانی چه پیامدهایی را خواهد داشت .

پیوند تمدن با فرهنگ و تفکر منجر گشت تا مهمترین پیامدهای حضور تمدن غرب در کشور در عرصه ی فرهنگ و تفکر جستجو گردد. فرضیه اصلی پژوهش فوق براین اساس نهاده شد که ارتباط میان سه گانه ی یاد شده لزوما رابطه ای خطی نیست و در بسیاری از موارد رواج تمدن غربی ، فرهنگ و جهان بینی غربی را در پی خواهد داشت.

نتایج بررسی های موجود تاییدگر فرضیه فوق است چنانچه رواج تمدن غربی در ایران درگام نخست تمدن ایرانی و اسلامی را تضعیف و درگام دیگر به کمزنگی فرهنگ و جهان بینی اسلامی شده است. چنانچه با جایگزین شدن لباس، موسیقی ، معماری غربی در میان ایرانیان به تدریج لباس سنتی، موسیقی محلی و معماری اسلامی رخت برپست و شاهد کاهش ارزشهای فرهنگی همچون حجاب و عفاف، تساهل ومدار، رواج خشونت ،اختلاط مردان و زنان و.... بوده ایم.

با این وجود تغییرات دنبال شده در همین حد باقی نماند در بسیاری از موارد به کاهش مناسک و باورهای اسلامی درمیان مردم منجر گردید. تایید فرضیه مطرح و تاثیر پذیری فرهنگ و جهان بینی ایرانیان از تمدن غربی ارائه راهکارهایی راضوری می سازد که در این میان می توان به موارد زیر اشاره نمود.

- درگام نخست لازم است مسئولین و مردم پیوند میان تمدن ، فرهنگ و تفکر غربی را درک نمایند و بپذیرند که تمدن غربی جدای از فرهنگ و تفکر غربی نخواهد بود و رواج تمدن غربی گسترش فرهنگ و تفکر غربی در جامعه رابه دنبال خواهد داشت.
- گرچه نمیتوان زندگی را بی توجه به مظاهر تمدنی غرب اداره کرد اما میتوان با نگاهی به کارکرد های تمدن غربی و تلاش در جهت تطبیق و بومی سازی آنها از رواج فرهنگ و جهان بینی غربیان در کشور جلوگیری نمود.
- ترویج تمدن و فرهنگ اسلامی و تلاش در جهت شناساندن این تمدن به نسل جوان درکنار آشنایی با تفکر اسلامی \_ ایرانی می تواند در کاهش گرایش مردم به تمدن غربی موثر گردد.
- رسانه های ملی و بومی با محور قرار دادن فرهنگ و تمدن بومی و اسلامی نقش مهمی را می توانند در بکارگیری تمدن بومی و اسلامی داشته باشند. رسانه ها لازم است به تقویت این باور بپردازند که آنچه باعث افتخار خواهد بود، پایبندی به فرهنگ و تمدن بومی است و از اشاعه ی این اندیشه که پایبندی به فرهنگ بومی نمادی از عقب ماندگی و جهان سومی بودن است خود داری نمایند.

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

- حمایت دولت و مسئولان از مروجان فرهنگ و تمدن اسلامی درز مینه های گوناگون اعم از لباس سنتی، موسیقی و معماری محلی و... می تواند از یک سو منجر به گسترش اشتغال گردد و از سوی دیگر به احیای تمدن و فرهنگ بیانجامد.
- و در نهایت برنامه ریزی در جهت برگزاری نمایشگاهها و همایش هایی درجهت آگاه سازی مردم نسبت به تمدن بومی می تواند از یک سو مانعی درجهت فراموشی تمدن گردد و از سوی دیگر فرهنگ و جهان بینی این قوم را از تهاجم فرهنگ و تمدن غربی برهاند.

در پایان تذکر این نکته ضروری است که علی رغم تاکید بر پیوستگی تفکر، فرهنگ و تمدن در این مقاله نباید رابطه این سه مقوله را به عنصری ذاتی و جبری مبدل ساخت؛ ساختهای انسانی بنا به مقتضای سرشت پیچیده آدمی؛ تو درتو و در هم فرورفته است و تحویل آن به روابط جبری تقلیل گرایانه است. لذا ضروری است که از نگاه های کل نگری که تمدن غرب را کل به هم پیوسته ای دانسته اند حذر باید کرد و راندن هر آنچه که محصول مغرب زمین است با چوب طرد و نفی و انکار، هم از خرد و خرمندی بدور است و هم رویه دیگری از غرب گرایی است؛ که غرب ستیزی و غرب گرایی دو روی یک سکه اند و هم داستان. غرب را باید شناخت و بر پایه شناخت متاملانه رفتار نمود.

## منابع و ماخذ

الف) کتب فارسی

- ابراهامیان، پرواند. (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن. ترجمه ی محمد ابراهیم فتحی. تهران: نشر نی.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۷). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰). تهران: سمت.
- بصیرت منش، حمید. (۱۳۷۶). علما و رژیم رضا شاه. تهران: انتشارات عروج.
- بشریه، حسین. (۱۳۸۱). جامعه شناسی سیاسی ایران. تهران: انتشارات نگاه.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴). توسعه و تضاد. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل. (۱۳۸۷). تفکر، فرهنگ و ادب، تمدن. تهران: نشر هلال.
- فوران، جان. (۱۳۹۲). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران. ترجمه ی احمد تدین. تهران: انتشارات رسا.



# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: صدر.

هدایت خواه، ستار. (۱۳۷۷). تهاجم فرهنگی. تهران: انتشارات معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.

(ب) مقالات

ابراهیم زاده، نبی‌الله. (۱۳۸۰). عقل در تفکر اسلام و غرب. پیام حوزه، شماره ۳۲، ص ۶۹.

ابوترابیان، فاطمه. (۱۳۹۳). نمادهای سبک زندگی غربی در تقابل با سبک زندگی اسلامی. فصلنامه سبک زندگی دینی، پیش شماره یکم، صص ۹۵-۱۲۶.

بهرامی، روح‌الله. (۱۳۷۷). سیاست قومی پهلوی در قبال قوم لر. مطالعات راهبردی، پیش شماره ۱ اول، صص ۱۲۴-۸۵.

ظہیری، سید مجید. (۱۳۷۸). درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی آزادی در اسلام و لیبرالیسم. اندیشه حوزه، شماره بیستم، صص ۲۷-۴۴.

فوران، جان. (۱۳۷۱). مفهوم توسعه‌ی وابسته، کلید اقتصاد سیاسی ایران در عصر قاجار. مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره پنجا و نهم و شصت، صص ۹۷-۹۱.

فیضی، مجتبی. (۱۳۹۲). درآمدی بر سبک زندگی. فصلنامه ادیان و معرفت، شماره یکصد و هشتاد و پنج، صص ۲۷-۴۲.

کاظمی، عباس و مهدی فرجی. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت دینداری در ایران: با تاکید بر داده‌های پیمایش در سه دهه‌ی گذشته. فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، شماره ششم، صص ۷۹-۹۵.

کرم‌الهی، نعمت‌الله. (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی استفاده از اینترنت با دینداری کاربران. مجله‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پیش شماره اول، صص ۲۹-۹.

(ج) منابع اینترنتی

جبارپور، محمد. (۱۳۹۳). بررسی معنای تفکر، فرهنگ و تمدن و نحوه‌ی مواجهه‌ی ما با غرب. برگرفته از سایت

<http://hayat.basijisu.com/975/>.

شبکه‌ی اینترنتی آفتاب. (۱۳۸۴/۸/۱۶). موسیقی غربی، موسیقی ایرانی. کد خبر ۱۱۶۵۴ برگرفته از سایت

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

[http://www.aftabir.com/articles/view/art\\_culture/music/c5c1131374420p1.php](http://www.aftabir.com/articles/view/art_culture/music/c5c1131374420p1.php)

باشگاه خبرنگاران. (۱۳۹۱/۵/۵). رواج لباسهای پاره و رفو شده در پیاده رویهای تهران. کد خبر ۴۰۳۵۰۷۵ برگرفته از سایت

<http://www.yjc.ir/fa/news/4035075>

خبرگزاری پارسینه. (۱۳۹۰/۶/۲۲). فلسفه ی وجود هشتی در خانه های ایرانی / جایگاه حریم در محل زندگی. کد خبر ۴۷۷۵۲ برگرفته از سایت

<http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=47752>

خبرگزاری فارس. (۹۳/۷/۲۳). کلیشه های معماری غربی پاسخگوی هویت تاریخی و فرهنگی شهرسازی کشور نیست. کد خبر ۱۳۹۳۰۷۲۳۰۰۱۴۳۵ برگرفته از سایت

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930723001435>

سایت خبری مشرق نیوز. (۱۳۹۲/۳/۱۸). نفوذ موسیقی ایرانی در آثار ایرانی / نقش ترانه های بی محتوا در آثار خوانندگان. کد خبر ۲۲۱۵۴۳ برگرفته از سایت

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/2215436>